

نیروی سوم خلیل ملکی

۲۶ آبان ۱۴۰۳ ساعت ۱۱:۴۰

نیروی سوم نامی بود که از اروپا گرفته شده بود و مبین یک تئوری بود. پیش از این بارها برخی از سیاستمداران ایرانی از این عنوان برای فرار و یا رهایی از استعمار دو کشور انگلیس و روسیه استفاده کرده بودند و با تکیه بر نیروی سوم در صدد کنار گذاشتن استعمار انگلیس و شوروی برآمده بودند.

در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۲۰ احزاب و گروه‌های سیاسی متعددی تشکیل شدند. اکثر احزاب و گروه‌های سیاسی تشکیل شده در این دو دهه، گرایش‌های مختلفی داشتند. با این حال اکثر احزابی که شکل گرفتند از گروه‌های عمدتاً چپ‌گرا بودند. یکی از گروه‌های سیاسی که در این دوره تشکیل شد نیروی سوم خلیل ملکی بود. جالب آنکه این جریان سیاسی در ابتدا به حزب توده وابسته بود و در واقع بخشی از آن بود؛ اما بعدها با انشعاب از آن به یک گروه سیاسی مستقل تبدیل شد. تا جایی که از بسیاری از اصول حزب توده نیز فاصله گرفت. با توجه به این مقدمه، در ادامه به دلایل تشکیل این نیرو و اهداف سیاسی آن پرداخته شده است.

نیروی سوم چه زمانی تشکیل شد؟

نیروی سوم در سال ۱۳۲۶ تشکیل شد. رهبری این حزب در دستان خلیل ملکی بود. ملکی پیشتر به حزب توده گرایش داشته اما وقوع برخی از تحولات سیاسی باعث شد تا ملکی تز وابستگی حزب توده به شوروی را مطرح کند. از نظر ملکی این وابستگی نوعی عدول از اصول حزبی بود. البته در این دوره، این حزب نام «حزب زحمتکشان نیروی سوم» را با خود به یدک می‌کشید و بیشتر آن را با نام حزب زحمتکشان می‌شناختند. ظاهراً مرحوم جلال آل احمد یکی از عوامل اصلی در تشکیل این حزب بوده است. در باب نقش و تاثیر آل احمد در تشکیل حزب زحمتکشان در کتاب گفتگو با تاریخ آمده است: «آل احمد می‌گوید که بالاخره من مجبور شدم شامی درست کنم و ملکی و بقایی را بیاورم و بگویم که با یکدیگر بنشینند و حزب زحمتکشان ملت ایران» را تشکیل دهند. احمد ملکی هم در خاطراتش خیلی صاف و ساده می‌گوید که «حزب زحمتکشان ملت ایران» به دستور آمریکایی‌ها تشکیل شد و بودجه آن را هر سال آمریکایی‌ها می‌دادند.»^[۱] فارغ از آنکه آیا این گروه واقعا به آمریکا وابسته بود یا خیر، موضوع اساسی این است که حزب زحمتکشان توانست تا چند سال به فعالیت خود ادامه دهد. حتی در نقض ادعای وابسته بودن حزب به آمریکا می‌توان گفت که این حزب در جریان ملی شدن نفت ایران در کنار مصدق قرار گرفت. البته باید این نکته را نیز اضافه کنیم که آمریکا تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چهره موجهی داشت و بعد استعماری آن آشکار نشده بود.

آغاز اختلافات و تشکیل نیروی سوم

حزب زحمتکشان تقریباً تا اواخر سال ۱۳۳۱-۱۳۳۰ به فعالیت‌های سیاسی پرداخت. اما طی این سال‌ها میان ملکی و یکی از اعضای اصلی آن یعنی مظفر بقایی اختلافاتی رخ داد. اختلافات به این دلیل بود که ملکی معتقد بود دکتر بقایی با عوامل شوروی در ارتباط است. این سوطن به این دلیل رخ داده بود که یکی از دوستان نزدیک دکتر بقایی با قوام السلطنه (در دوران استعفای پنج روزه‌اش) ملاقات و دیدار داشته است. وقتی جریان این ملاقات فاش شد، ملکی به دکتر بقایی بدبین شد و این موضوع سرآغاز انشعابی جدید و تشکیل نیروی سوم شد. بدین ترتیب ملکی حزب نیروی سوم را در سال ۱۳۳۱ تشکیل داد و بقایی نیز ضمن مخالفت با دکتر مصدق، به جناح آیت‌الله کاشانی پیوست. البته نیروی سوم نیز علیرغم انتقاداتی که به دکتر مصدق وارد می‌کرد یکی از متحدان دکتر مصدق در برابر حزب توده بود.

چرا نام نیروی سوم؟

خلیل ملکی خود را نیرویی فارغ از هیئت حاکمه و حزب توده می‌دانست و در واقع نیرویی جدا از آنها محسوب می‌شد. از این رو نام نیروی سوم را برای خود برگزید. به طور کلی نیروی سوم نامی بود که از اروپا گرفته شده بود و مبین یک تئوری بود. پیش از این بارها برخی از سیاستمداران ایرانی از این عنوان برای فرار و یا رهایی از استعمار دو کشور انگلیس و روسیه استفاده کرده بودند و با تکیه بر نیروی سوم در صدد کنار گذاشتن استعمار انگلیس و شوروی برآمده بودند. با توجه به این تعریف، شاید استفاده از نام نیروی سوم چندان با تئوری مربوط به آن سازگار نباشد. هر چند ملکی نیز معتقد بود به عنوان نیرویی سوم و فارغ از هیئت حاکمه و حزب توده فعالیت می‌کند. با این حال ملکی ترجیح داد از نام نیروی سوم برای شکل سیاسی خود استفاده کند.

نیروی سوم بعد از کودتا

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، خلیل ملکی و هوادارانش همچنان در ایران و در خارج با نام «حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم)» فعالیت کردند. بعداً این گروه به سه جناح منشعب شد: گروه خلیل ملکی، «جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران» را تشکیل داد. حسین ملکی (برادر خلیل ملکی) در اروپا «جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا» را براه انداخت و گروهی نیز به رهبری خنجی، «حزب سوسیالیست» را ایجاد کرد.^[۲] اما گذشته از انشعابات و تشکلهای سیاسی جدیدی که شکل گرفت، ملکی و برخی از یارانش مدتی را نیز در زندان به سر بردند. چنانچه بعد از پیروزی کودتا، ملکی دستگیر شد و به زندان افتاد و حضور نیروی سوم در صحنه فعالیت‌های سیاسی و حزبی این دوره پایان گرفت... اما در نهایت در سال ۱۳۳۷ تشکیلات جدیدی با اندیشه و برنامه سوسیالیستی پی ریزی شد. خلیل ملکی این بار به جای یک حزب، تشکل وسیعی به نام جامعه سوسیالیستهای ایران را تدارک دید تا همه نیروهای مبارز و ملی را گرد آورد... اما تشکیلات جدید عمدتاً به همان نیروی سومها محدود شد و جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران نام گرفت.^[۳] جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی تا اواخر دهه ۱۳۴۰ به صورت کجدار و مریز به فعالیت‌های خود ادامه داد؛ اما نتوانست به فعالیت‌های خود به شکل سابق ادامه دهد. در نهایت نیز فوت جلال آل احمد ضربه نهایی را وارد کرد و عملاً فعالیت‌های حزب را محدود کرد.

خن نهایی

بسیاری معتقدند نیروی سوم نیرویی نه چندان بود که نام آن بیشتر از فعالیت‌هایش پررنگ شد. به عبارتی این حزب اصطلاحاً

تنها از طریق نام خود سرورسدا و عملا موجد تحول سیاسی خاصی نبود. با این حال اگر بخواهیم نگاه دقیق تری به عملکرد حزب داشته باشیم می توانیم بگوییم که نیروی سوم با انشعاب از حزب توده نقش مهمی در تضعیف آن داشت و انشعاب را به رویه‌ای رایج میان اعضای حزب توده تبدیل کرد. همچنین این حزب با قرار گرفتن در کنار دکتر مصدق نشان داد که منافع ملی را بر منافع حزبی و جناحی ترجیح می‌دهد و تنها در برخی از اصول تئوریک به آرمان‌های چپ‌گرا متعهد است.

[۱] - نورالدین کیانوری، گفتگو با تاریخ، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، صص ۵۰۱-۵۰۲

[۲] - به کوشش جمعی از پژوهشگران، حزب توده: از شکل‌گیری تا فروپاشی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷، ص ۳۰۹

[۳] - مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک: مجله فردوسی، تهران، مرکز اسناد تاریخی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49899/ملکی-خلیا-سوم-نیروی>